

فرقی نمی‌کند این زنان باسواد و دانشگاهی باشند یا بی‌سواد/ ۹ هزار و ۴۹۹ مورد از مراجعان به پزشکی قانونی مدعی همسرآزاری هستند/ بسیاری از زنان برای پرهیز از آسیب‌های ناشی از اعمال خشونت، رفتارهای خودشان را به گونه‌ای سانسور می‌کنند تا از سوی همسرانشان قابل پذیرش باشد

بر اساس تحقیق انجام شده در چهار استان و جنوب شهر تهران:



خشونت علیه زنان از دیرباز در جوامع مختلف نظر از طبقه، مذهب و نژاد وجود داشته است. یکی از اشکال خشونت علیه زنان که به وسیله افراد غریبه، در بیرون از محیط خانواده و در مکان‌های عمومی رخ می‌دهد، مزاحمت‌های خیابانی است.

به گزارش اسپادانا خبر به نقل از روزنامه بهار، مزاحمت‌های خیابانی به‌عنوان نوعی از خشونت علیه زنان که جنسیت زن را مورد تحقیر قرار می‌دهد، یکی از آشکارترین جنبه‌های آزار جنسی در سطح عمومی جامعه است. این نوع از خشونت، می‌تواند پیامدهای منفی متعددی هم برای زنان قربانی (به شکل افزایش آسیبها و اختلالات جسمی و روانی) و هم برای جامعه (به شکل محروم شدن از فعالیتهای اجتماعی زنان) به همراه داشته باشد. علاوه بر خشونت خیابانی، خشونت خانگی هم روندی قدیمی و تکرارشونده داشته است. آن قدر قدیمی که قدمت اش به اولین ضجه زن می‌رسد. اما این مسئله تکراری برای زنانی که در معرض آن قرار دارند هر روزه تازه و زنده می‌شود.

از هر سه زن، یک زن تلخ است باور کردن این حقیقت که در کشور ما بر اساس تحقیقی که در چهار استان و جنوب شهر تهران انجام شد و تحقیقی که در سطح ملی انجام گرفته بود، 66 درصد از جامعه زنان خشونت را تجربه کرده‌اند که بیشترین موارد مربوط به خشونت روانی و کلامی است. برای نیمی از آنان این خشونت روزمره بوده و مدام تکرار می‌شود. به زبان ساده از هر سه زن، یک زن هر روز از دست همسرش کتک می‌خورد و برای دومی هم این اتفاق دیر یا زود حتی برای یکبار هم که شده رخ می‌دهد. فرقی نمی‌کند این زنان باسواد و دانشگاهی باشند یا بی‌سواد.

خشونت خانگی، واقعیتی آزاردهنده و غیرقابل انکار در دنیای امروز است. محیط خانه که باید پناهگاهی باشد تا ساکنانش در آن بیاسایند و خستگی‌ها و رنج‌های ناشی از دشواری‌های محیط بیرون خانه را به فراموشی بسپارند، متأسفانه برای بسیاری از مردم، به جهنمی می‌ماند که آتش دشمنی، خشم، خشونت، کینه و انتقام در آن شعله‌ور است. خشونت‌های خانگی مخصوص جامعه یا طبقه خاصی نیست، بلکه همه کشورهای دنیا و طبقات اجتماعی مختلف با آن دست به گریبانند و تغییر و تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر روزه بر میزان آن افزوده است.

خشونت خانگی آسیب اجتماعی است این نوع خشونت تا چند سال پیش به عنوان آسیبی اجتماعی در ایران اصلاً مطرح نبود. هرچند برخی موارد حاد خشونت خانگی در مطبوعات انعکاس می‌یافت، اما به طور معمول خشونت به مثابه رفتار نابهنجار فردی در نظر گرفته می‌شد و اگر در مورد آن بحث و گفتگویی می‌شد، برای روشن کردن علل فردی رفتار خشن بود. از چند سال قبل، سرانجام این پدیده مورد توجه سازمان‌ها و محافل علمی قرار گرفت که از آن جمله می‌توان به برگزاری سمینارها، سخنرانی‌ها و حتی تشکیل گروه‌هایی با هدف بررسی و مقابله با خشونت خانگی اشاره کرد.

آمار همسرآزاری در تهران ۱۵۴ هزار و ۸۱۱ شهروند تهرانی در شش ماه نخست امسال به پزشکی قانونی مراجعه کردند که نزاع و درگیری بیشترین علت مراجعه آن‌ها بوده است. بنا به گفته مسعودقادی پاشا، مدیر کل پزشکی قانونی استان تهران ۹ هزار و ۴۹۹ مورد از این موارد، مدعی همسرآزاری هستند.

هزینه‌های اجتماعی خشونت خانگی باید به این موضوع تاکید داشت که اعمال خشونت علیه زنان گذشته از هزینه‌های انسانی مانع مشارکت زنان در زندگی عمومی و اجتماعی شده و رفاه اقتصادی جوامع را تحلیل می‌برد. اگرچه تکنیک‌های ارزیابی و برآورد هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی

اعمال خشونت ناکارآمد است، اما مطالعات انجام شده بینش‌های دقیقی را نسبت به روش‌های اثرگذاری خشونت مبتنی بر جنسیت بر کاهش سطح مشارکت و کارآیی زنان، تحمیل هزینه‌های اضافی به اقتصاد جامعه نظیر تحمیل هزینه مراقبت‌های پزشکی فراهم می‌سازد.

حتی مردانی که مانع مشارکت زنان نمی‌شوند گاه ممکن است با به‌کارگیری زور آنان را از منافع حاصله محروم سازند. زنانی که در طرح‌های درآمدزا با عنوان اعتبارات خرد در بنگلادش و پرو مشارکت داشته‌اند و همچنین زنان دوزنده مکزیک اغلب نقل می‌کنند که همسرانشان با کتک زدن آنان دستمزدهایشان را می‌گیرند.

بسیاری از زنان برای پرهیز از آسیب‌های ناشی از اعمال خشونت، رفتارهای خودشان را به گونه‌ای سانسور می‌کنند تا از سوی همسرانشان قابل پذیرش باشد و در حقیقت خود به زندانبان خود تبدیل می‌شوند. برای مثال بر طبق مطالعه‌ای که در پاپوا در گینه نو انجام شده یکی از دلایل عدم تلاش زنان معلم برای گرفتن ترفیع در محیط کار، ترس و هراس آنان از تحریک و برانگیختن همسرانشان در اعمال خشونت بیشتر نسبت به آنان است.

تحقیقات انجام شده درخصوص بررسی میزان اثرگذاری خشونت خانگی بر سطح مشارکت و سطح درآمد نیروی کار زنانه، نتایج متناقضی در پی داشته است. براساس مطالعات صورت گرفته در شهر سانتیاگو در شیلی و همچنین در شهر ماناگوا در نیکاراگوئه اعمال خشونت به شیوه‌هایی کاملاً متفاوت بر اشتغال زنان اثر گذاشته است. در این مناطق برخی از زنان به منظور مراقبت از کودکانشان و یا به سبب عدم اجازه همسرانشان شاغل نیستند و در بیرون از خانه کار نمی‌کنند، در حالی که برخی از آنان به منظور کاهش وابستگی مالی خود به کسانی که آنان را مورد ضرب و شتم قرار داده و متوسل به رفتارهای خشونت آمیز می‌شوند، کار می‌کنند. در هر حال خشونت خانگی آثار متناقضی بر قابلیت‌ها و توانمندی‌های زنان در پیدا نمودن شغل دارد. بر طبق یافته‌های یک تحقیق در ایالت شیکاگو، احتمال بیکاری دوره‌ای و تغییر شغل به دفعات در بین زنان خشونت دیده بیش از سایر زنان است.

میانگین مراجعه به پزشکان، داروخانه‌ها، جراحان، بیمارستان‌ها و مراکز مشاوره بهداشت روانی در بین زنان خشونت دیده بیش از سایر زنان است. این نیاز به دریافت خدمات بهداشتی و درمانی به‌طور قابل توجهی هزینه مراقبت‌های بهداشتی را بالا می‌برد. برای نمونه هزینه اقدامات مرتبط با اعمال خشونت علیه کودکان، آن‌گونه که سازمان حفظ بهداشت و سلامت در واشنگتن در گزارش خود آورده، سالانه بالغ بر ۸ میلیون دلار تخمین زده می‌شود. حال باید دید در کشور ما با توجه به آن پیشینه‌ی مرد سالاری تا چه حد می‌تواند از این خشونت‌ها جلوگیری کرد.

برچسب‌ها: [حقوق زنان](#) [1]
[آسیب‌های اجتماعی](#) [2]